



۶

مُفَلِّسِ كِیْمِیَا فِرُوشِ

نقد و تحلیل شعر انوری

محمد رضا شفیعی کدکنی



شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۱۸ - شارح
مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری) / محمدرضا شفیی کدکنی. -
تهران: سخن، ۱۳۷۲.

۳۵۱ ص. - (از میراث ادب فارسی؛ ۶)

Shafi-i- Kadkani, Poems by Anvari.

ص. ۶. به انگلیسی: ...

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

نمایه.

ISBN 964 - 312 - 105 - 1

چاپ سوم: ۱۳۸۴

۱. انوری، علی بن محمد، - ۹۵۸۵ق. دیوان - نقد و تفسیر. ۲. شعر فارسی -

قرن ۶ق. - تاریخ و نقد. الف. انوری، علی بن محمد، - ۹۵۸۵ق. دیوان. شرح. ب.

عنوان. ج. عنوان: دیوان. شرح.

ش ۷۹۸/۴۸۳۴ PIR / ش ن/ د ۸۹۹ الف ۲۳ / الف ۱

۱۳۷۲

۲۴۸۱ - ۷۲ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات سخن

مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)

دکتر محمدرضا شفیی کدکنی

چاپ سوم، ۱۳۸۴

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

چاپ: حیدری

خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران، شماره ۱۳۹۲ تلفن: ۶۴۶۵۹۷۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۱-۱۰۵-۳۱۲-۹۶۴-۱ ISBN 964 - 312 - 105 - 2

یادداشت ناشر

از میراث ادب فارسی، مجموعه‌ای است برای آشنا گرداندن علاقه‌مندان، از هر گروه و در هر سن، با آثار زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایران، به نوعی که این آشنایی مقدماتی بتواند انگیزه مطالعه و تتبع بیشتر در این زمینه و انس با آن آثار شود. بدین منظور گزیده‌های مزبور طوری فراهم می‌آید که از نظر اندیشه و موضوع و رغبت‌انگیزی و دلپذیری و نیز از لحاظ زبان فارسی توجه خوانندگان را به خود جلب کند و در عین حال به صورتی ساده و مطبوع عرضه گردد. مقدمه فراهم آورنده متن در معرفی و ارزیابی اثر نیز بدان منظور به قلم می‌آید که به این مقصود کمک کند. این گزیده‌ها به اهتمام دانشمندان صاحب‌نظر و براساس متنی مصحح و انتقادی و معتبر فراهم می‌شود. بعلاوه، ضبط و تلفظ کلمات و اعلام مشخص است و اصول نقطه‌گذاری در آن رعایت می‌گردد تا مطالعه متن برای خوانندگان آسان باشد. آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و عبارات عربی که در متن آمده باشد نیز با اعراب‌گذاری است. در پایان کتاب، لغات و ترکیبات و اصطلاحات، اسامی خاص، عبارات عربی یا دشوار و پیچیده به ترتیب شماره صفحات و سطور (یا

ابیات) توضیح داده می‌شود. این توضیحات بسیار مختصر و ساده و در حدّ ضرورت خواهد بود.

پیشنهادکننده این خدمت فرهنگی استاد و دانشمند گرانقدر و ادب‌پرور شادروان دکتر غلامحسین یوسفی بودند که طی سالیان عمر پربرکت خود خدمات شایان و ارزنده به زبان فارسی و فرهنگ ایران کردند؛ و آغازگر این مجموعه شدند.

ویرایش و سرپرستی مراحل آماده‌سازی این مجموعه با همکاری دقیق‌النظر ما، آقای کمال اجتماعی جندقی است که در این امور بیش از چهل سال سابقه خدمت دارند.

امید آن است که این مجموعه به صورت دعوت و مدخلی باشد برای ورود همگان بخصوص جوانان به جهان زیبای ادب و فرهنگ ایران.

و اگر ثوابی بر انتشار این مجموعه مترتب تواند بود نثار روح پدرم مرحوم محمدعلی علمی باد که عمر گرانمایه بر نشر کتاب نهاد و وجود شریفش همواره در خدمت ادب و فرهنگ این سرزمین مقدس بود.

چند یادآوری

مخاطبان این مجموعه، جوانان‌اند و همه کسانی که مراجعه به دیوان پُرحجم و دوجلدی انوری، بدیشان اجازه نمی‌دهد که در میان انبوه آن مدایح، شعرهای درخشان و برجسته‌ای را بیابند که انوری را، در نظر گروهی، در طول قرون، یکی از «سه تن پیامبران شعر فارسی» و در کنار «سعدی و فردوسی» قرار داده است.

در مقدمه‌ای که درباره انوری نوشته‌ام، برداشت خود را از پایگاه او در شعر فارسی بازگو کرده‌ام و نقدی از پست و بلند کار او ارائه داده‌ام و نشان داده‌ام که ما امروز، از شعر او چه می‌توانیم بیاموزیم و در خلاقیت هنری و فرهنگی عصر ما، انوری چه چیزی می‌تواند بما بدهد. بخشی از آن مباحث، اگر «جامعه‌شناسی ادبیات فارسی» نباشد، بحثی خواهد بود از مقوله «اجتماعیات در ادبیات» و نگاهی است به زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی که به هر حال، خوانندگان خود را همیشه خواهد داشت.

در طول سالیان درازی که با شعر فارسی، به دلایل متعدد و از دیدهای متفاوت، سر و کار داشته‌ام، دیوانهای این شاعران را بارها و بارها خوانده‌ام و آنچه را پسندیده‌ام، برای خودم، با علامتها و یادداشت‌هایی مشخص کرده‌ام. آرزوی من است که چندان عمر داشته باشم که مجموعه این انتخاب‌ها را به صورت چندین کتاب در آورم و تأملات شخصی خودم را، در باب يك يك این شاعران و پایگاهی که از دید من در تاریخ شعر فارسی دارند، به اطلاع جوانان و دوستداران شعر فارسی برسانم. ادعای هیچ چیز دیگری، جز مقداری حوصله و توفیق مطالعه دقیق این آثار را ندارم. امیدوارم نتیجه این حوصله و دقت را بتوانم در اختیار جوانان و دانشجویان قرار دهم، بنشانم شکرگزاری ازین توفیق.

در اینجا چند نکته ضروری را می‌خواهم، قبل از هر چیز به اطلاع خوانندگان

محترم برسانم:

در بررسی شعر فارسی سرگرم کارک‌هایی هستم ولی گاهی احساس می‌کنم که از حاصل جتبی آن کارک‌ها، یعنی کتابهایی ازین نوع، ممکن است دانشجویان زودتر بتوانند بهره‌مند شوند. به همین دلیل، تصمیم گرفتم ظرف مدت کوتاهی، به نشر آن

مجموعه که چندین کتاب (از رودکی تا بهار) خواهد بود، بپردازم. در نقل این متون، درست‌ترین ضبط را، به تشخیص خودم، اختیار خواهم کرد. به همین دلیل، درین دفتر، چند مورد از متن تصحیح شده استاد مدرس رضوی را - با مراجعه به نسخه‌های کهنی که ایشان بدانها کمتر توجه فرموده بودند - تغییر داده‌ام و یکی دو مورد تصحیح قیاسی کرده‌ام.

ملاك انتخاب همان سلیقه و ذوقی است که هرگز ادعای آن را نداشته‌ام و در توضیحات هم اصلاً مجالی برای فضل‌فروشی نمی‌خواهم ظهور کند. سعی خواهم کرد، فهم هر شعر را از ساده‌ترین راه برای خوانندگان امکان‌پذیر کنم. بقول حکیم غزنه:

ترا بس ناخوش است آواز، لیکن اندرین گنبد
خوش آوازت همی دارد صدای گنبد خضرا،
ولی آنکه خجل گردی که استادی ترا گوید
که با داود پیغمبر رسلی کن درین صحرا

دیوان انوری از دیرباز، یکی از مشکل‌ترین دیوانهای شعر فارسی شناخته شده است، به همین دلیل شروع بسیاری بر آن نوشته‌اند که سه چهار شرح از آن شروع هم‌اکنون باقی است و بعضی از آنها چاپ شده است و یکی از آخرین شروع، کتاب ارجمندی «شرح لغات و مشکلات دیوان انوری» تألیف استاد سیدجعفر شهیدی است. گاهی به این شروع مراجعه داشته‌ام و در مواردی از آنها بهره برده‌ام، اما شعرهایی را بیشتر انتخاب کردم که اصلاً نیازی به آن نوع شروع ندارد؛ اصلاً معتقدم سخنی را، که آنهمه شرح و تفصیل برای فهمش لازم داشته باشیم، برای انسان معاصر، در مقوله شعر قرار دادن، قدری ستم بر مفهوم شعر است.

از دوست دانشمند و دقیق‌النظر خویش، آقای کمال اجتماعی جندقی کمال سپاسگزاری را دارم که در فراهم شدن این کتاب و تدوین آن، نگارنده را شرمنده لطف خویش کردند.

قبل از آنکه این یادداشت به پایان رسد، باید از دوستان عزیز و فاضلم آقایان مسعود جعفری جزئی و محمد شادرومنش و سیدمصطفی موسوی که نمونه‌های چاپی این کتاب را خواندند و نکاتی را یادآور شدند، سپاسگزاری کنم. والحمدلله اولاً و آخراً.

شفیعی کذکبی

بهمن ۱۳۶۹

فهرست

۱۹	اسناد زندگی انوری
۲۲	نام و نسب
۲۲	زادگاه او
۲۳	تحصیلات
۲۴	تألیفات انوری
۲۶	خاندان انوری
۲۷	سفرها
۲۷	آغاز شاعری
۲۸	مدوحان انوری
۲۸	زمینه تاریخی حیات او
۲۹	سال تولد و وفات انوری
۲۹	حوادث زندگی انوری
۳۱	داستان هجو مردم بلخ
۳۲	حکم نجومی انوری و قران کواکب
۳۳	چند افسانه از زندگی او
۳۸	خالق جای انوری
۳۹	قصاید انوری
۴۰	قبول عامه گوهرگز مباحث!
۴۴	بدعت‌ها و بدایع انوری
۴۹	انوری و صناعت شعر

- ۵۱ هجو و طنز انوری
 ۵۵ غزل انوری
 ۵۹ صور خیال در شعر انوری
 ۶۴ زبان شعر انوری
 ۶۸ نظریه انوری در باب زبان شعر
 ۷۱ کنایات و امثال در شعر او
 ۷۸ ذیلی بر این یادداشت

۳

- ۸۱ مدایح انوری
 ۸۳ زمینه اجتماعی شعر انوری
 ۸۵ شناور شدن زبان و ارتباط آن با رشد خودکامگی
 ۹۵ نقش اجتماعی شعر درباری
 ۱۰۲ نقد اجتماعی در شعر انوری
 ۱۰۵ از مخاطب مالی تا مخاطب انسانی
 ۱۰۹ مفلس کیمیا فروش

۴

- ۱۱۲ تناقض درونی انوری
 ۱۱۴ روانشناسی شعر انوری
 ۱۱۵ الحد انوری
 ۱۱۶ «ملتسمات» انوری
 ۱۱۹ انوری و تصوف

۵

- ۱۲۱ یکی از سه پیامبر شعر
 ۱۲۵ زمینه فرهنگی شعر انوری
 ۱۲۶ انوری و نقد شعر
 ۱۳۱ انوری و شاعران دیگر
 ۱۳۵ در ترازوی دیروز و امروز

قصاید*

۱۴۱ تا ۱۸۱

- ۱ به سمرقند اگر بگذری ای بادِ سحر
- ۲ اگر مَحْوَلِ حالِ جهانیان نه قضاست
- ۳ ای برادرِ بشنوی رمزی ز شعر و شاعری
- ۴ اینکه می بینم به بیداری ست یارب یا به خواب؟
- ۵ شهر پر فتنه و پر مشغله و پر غوغاست
- ۶ روزِ عیش و طرب و بستانست
- ۷ ای ترک می بیار که عیدست و بهمن است
- ۸ ملک اکنون شرف و مرتبه و نام گرفت
- ۹ گر دل و دست، بحر و کان باشد
- ۱۰ کو آصفِ جم گو بیا ببین!
- ۱۱ دوش سرمست آمدم به وثاق
- ۱۲ صبا به سبزه بیاراست دارِ دنیی را
- ۱۳ باز این چه جوانی و جمالست جهان را؟
- ۱۴ ای مسلمانان! فغان از دورِ چرخِ چنبری!

قطعه‌ها

۱۸۳ تا ۲۱۲

- ۱ نگر تا حلقهٔ اقبال ناممکن نجبانی!
- ۲ دیدهٔ جانِ بوعلی سینا
- ۳ انوری چون خدای راه نمود
- ۴ درین دوروزه توقف - که بو که خود بُود!
- ۵ خطابی با فلک کردم که از راه جفا کُشتی
- ۶ رُبُعِ مسکون آدمی را بود، دیو و دد گرفت
- ۷ آن شنیدستی که روزی زیرکی با ابلهی
- ۸ دوش در خواب من پیمبر را
- ۹ آلودهٔ منتِ کسان کم شو

- ۱۰ کلبه‌ای کاندرو به روز و به شب
- ۱۱ نشنیده‌ای که زیر چناری کدو بُنی
- ۱۲ با فلک دوش به خلوت گله‌ای می‌کردم
- ۱۳ چار شهر است خراسان را در چار طرف
- ۱۴ کیمیایی ترا کنم تعلیم
- ۱۵ برترین مایه مرد را عقل است
- ۱۶ در حدود ری یکی دیوانه بود
- ۱۷ جریده‌ای ست نهاد سینه سپید جهان
- ۱۸ گفتم: آن تو نیست خواجه صلاح
- ۱۹ ای خواجه! رسیده‌ست بلندیت به جایی
- ۲۰ در جهان با مردمان دانی که چون باید گذاشت
- ۲۱ کی بود کاین سپهر حادثه‌زای
- ۲۲ مقبلی آنکه روز و شب، ادبار
- ۲۳ روز را رایگان ز دست مده
- ۲۴ دعاگو، اسبکی دارد که هر روز
- ۲۵ بسا سخن که مرا بود و آن نگفته بماند!
- ۲۶ هر که به ورزیدن کمال نهد روی
- ۲۷ ایمنی را و تندرستی را
- ۲۸ کهتر و مهتر و وضع و شریف
- ۲۹ دوستی در سمر کتابی داشت
- ۳۰ پنج فلاسیم در بیغوله‌ای
- ۳۱ دوستی گفت صبر کن ایراک
- ۳۲ جهان گر مضطرب شد گو همی شو
- ۳۳ يك چند زوزگار نه از راه مکرمت
- ۳۴ روزی پسری با پدر خویش چنین گفت
- ۳۵ اگر انوری خواهد از روزگار
- ۳۶ خسرو! ز اصطبل معمورت - که آن معمور باد!
- ۳۷ خدای، کار چو بر بنده‌ای فرو بندد

- ۳۸ در آن زمین که تو در چشم خلق خوار شوی
- ۳۹ حکایتی است بفضل استماع فرمایند
- ۴۰ انوری! بهر قبولِ عامه، چند از ننگِ شعر؟
- ۴۱ گویند که در طوس، گه شدتِ گرما
- ۴۲ تکلف میانِ دو آزاد مرد
- ۴۳ در آینه چون نگاه کردم
- ۴۴ از سخنهاى عذبِ شکرطعم
- ۴۵ چون من به ره سخن فراز آیم
- ۴۶ دی مرا، عاشقکی، گفت: غزل می‌گویی؟
- ۴۷ گرچه در بستم، در مدح و غزل یکبارگی
- ۴۸ شود زیادتِ شادی و غم شود نقصان
- ۴۹ می‌توانم که نگویم بد کس در همه عمر
- ۵۰ رو بهی می‌دوید از غم جان
- ۵۱ خواجه اسفندیار! می‌دانی
- ۵۲ يك دو مَنك می، سه تن، به چار جوانب
- ۵۳ آن چیست کزان طبق همی تابد
- ۵۴ مرا سعدِ دین داد پیراهنی
- ۵۵ عادت کن از جهان سه فضیلت را
- ۵۶ چهار چیز است آیینِ مردمِ هنری
- ۵۷ کسی که مدتِ سی سال شعرِ باطل گفت
- ۵۸ ای خواجه مکن تا بتوانی طلبِ علم
- ۵۹ چون ترا روزگار داد بداد
- ۶۰ صفه‌ای را نقش می‌کردند نقاشانِ چین
- ۶۱ مرا دوستی گفت: آخر کجایی؟
- ۶۲ یارب مرا بده بدلِ نعمتی که بود
- ۶۳ پیشی ز هنر طلب نه از مال
- ۶۴ ز جنسِ مردمانِ مشمار خود را

۲۱۳ تا ۲۳۵

غزلها

- ۱ ای غارتِ عشقِ تو جهانها
- ۲ تا دلِ مسکینِ من در کار تست
- ۳ پایم از عشقِ تو بر سنگ آمده‌ست
- ۴ ز عشقِ تو نهانم آشکار است
- ۵ عشقِ تو قضای آسمان است
- ۶ هر که چون من به کفرش ایمان است
- ۷ جمالت بر سرِ خوبی کلاه است
- ۸ هر کس که غمِ ترا فسانه‌ست
- ۹ عشقِ تو دل را نکو پیرایه‌ای است
- ۱۰ از بسکه کشیدم از تو بیداد
- ۱۱ حسنت اندر جهان نمی‌گنجد
- ۱۲ عشقِ تو بر هر که عاقبت به سر آرد
- ۱۳ دردم فزود و دست به درمان نمی‌رسد
- ۱۴ بدرود شبِ دوش! که چون ماه برآمد
- ۱۵ دل در هوست ز جان برآید
- ۱۶ حسنِ تو گر بر همین قرار بماند
- ۱۷ یار در خوبی، قیامت می‌کند
- ۱۸ آن روزگار کو که مرا یارِ یار بود
- ۱۹ ساقیا باده صبح بیار
- ۲۰ ای پسر! پرده قلندر گیر
- ۲۱ باز دوش آن صنم باده‌فروش
- ۲۲ آخر در زهد و توبه درستم
- ۲۳ در دستِ غمِ یارِ دلارام بماندم
- ۲۴ بدان عزمم که دیگر ره به میخانه کمر بندم
- ۲۵ بیا که با سر زلفِ تو کارها دارم
- ۲۶ کار جهان نگر که جفای که می‌کشم
- ۲۷ من که باشم که تمنایِ وصالِ تو کنم

- ۲۸ عاشقی چیست؟ - مبتلا بودن
 ۲۹ ای ایزد از لطافتِ محضت بیافریده!
 ۳۰ شب تیره چو بگشاید هوا چون زنگیان گیسو
 ۳۱ ای دیر بدست آمده! بس زود برفتی
 ۳۲ یاد می‌دار کانچه بنمودی
 ۳۳ بدخوی تری مگر خبر داری
 ۳۴ يك دم به مراعات، دلم گرم نداری
 ۳۵ مرا وقتی خوش است امروز و حالی
 ۳۶ گر جان و دل به دستِ غم تو ندادمی
 ۳۷ بنامیزد به چشم من چنانی
 ۳۸ ای خوبتر ز خوبی! نیکوتر از نکویی

رباعیات

۲۳۷ تا ۲۵۰

تعلیقات:

- ۲۵۳ تعلیقات قصاید
 ۲۹۹ تعلیقات قطعه‌ها
 ۳۱۹ تعلیقات غزل‌ها
 ۳۳۰ تعلیقات رباعیات

فهرستِ راهنما

۳۳۳ تا ۳۵۱

مشخصاتِ مراجع :

۳۵۲ تا ۳۵۹